

الهِجْرَةُ

الدَّرْسُ السَّابِعُ



– رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ لِّمَا تَنْزِلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ.

– فَأَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِالْهَجْرَةِ.

﴿إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ﴾

– فِي الْحَبَشَةِ حَاكِمٌ عَادِلٌ وَ مُوَحَّدٌ*.

رُؤَسَاءُ قَرِيشٍ

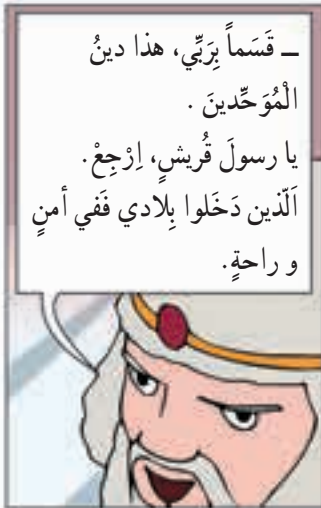
– الَّذِينَ هَاجَرُوا إِلَى الْحَبَشَةِ سَوْفَ يَخْلُقُونَ
لَنَا الْمَشْكَلاتِ.

– أَنْتُمْ صَامِتُونَ* . هَذَا عَجِيبٌ!

– طَيِّبٌ. اَلتَّطْمِيعُ* مِنْ عَادَتِنَا.

– فَسَمَّا بِاللَّاتِ* وَالْعَزَّى* سَنُرْجِعُ مَنْ هَاجَرَ وَ نُعْدِبُهُ.

– نَبَعْتُ رَسُولًا مَعَ هَدَايَا إِلَى
حَاكِمِ الْحَبَشَةِ وَ نَطَلُبُ مِنْهُمْ
تَسْلِيمَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى هُنَاكَ.





در زبان عربی کلماتی وجود دارند که موجب ارتباط میان اجزای جمله می شوند.

حال از خود سؤال کنید :

در جمله «دانش آموزی موفق می شود که تلاش می کند»، عامل ارتباط میان دو جزء جمله کدام است؟

آیا می توانید در جمله «فَهَمَّتْ الدَّرْسَ الَّذِي دَرَّسَهُ المَعْلَمُ» ربط دهنده دو جمله را تشخیص دهید؟

آیا می توانید بگویید که الّذِي جزء کدام یک از اقسام کلمه است؟



به این دو جمله نگاه کنیم :

التَّلَامِيذُ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ. التَّلَامِيذُ يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

برای ارتباط میان این دو جمله چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ، يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

به معنی الّذِي در دو جمله زیر توجه کنید.

الإنسانُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ.

الَّذِي يَجْتَهِدُ فَهُوَ يَنْجَحُ.

که

کسی که

نام گذاری

کلماتی مانند «الَّذِي»، «الَّتِي»، «الَّذِينَ» و «الَّذِينَ» در زبان عربی «اسم موصول» نام دارند.

معدّل	مؤنث	مذكر	
که، کسی که، چیزی که	الَّتِي	الَّذِي	مفرد
کسانی که	الَّذِينَ	الَّذِينَ	جمع

کاربرد

موصول در عربی برحسب ماقبل خود تغییر می کند؛ مانند:

– الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنَةُ الَّتِي تَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ تَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُونَ.

– الْمُؤْمِنَاتُ الَّلَاتِي يَعْمَلْنَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحْنَ.

حال از خود سؤال کنید:

جاهای خالی را با کلمه مناسب پر کنید:

– اسم موصول «.....» برای کلمه‌ای که مفرد مذکر باشد، استفاده می شود.

– اسم های موصول عبارتند از:,,

– موصول «الَّذِينَ» برای اسم های استفاده می شود.



نوع دوم به این دو عبارت توجه کنیم: عَلَّمُ مَنْ لَا يَعْلَمُ. إِعْمَلْ بِمَا تَعَلَّمْتَ.

– آیا کلمه های «مَنْ» و «مَا» در جمله های بالا برای سؤالی کردن هستند؟

– آیا کلمه «مَا» برای منفی کردن آمده است؟

و یا آن که ...؟

«مَنْ» و «مَا» نیز گاهی به عنوان «اسم موصول» در جمله به کار می روند.

کاربرد

«مَنْ» به معنی کسی که، کسانی که

«ما» به معنی چیزی که، چیزهایی که، آنچه

نام گذاری

به اسم های موصول «مَنْ» و «ما»، «مشترک» می گوئیم و بقیه موصولات را «خاص» می گوئیم.

حال از خود سؤال کنید:

دو کاربرد برای اسم های موصول:

- ۱- آغاز جمله
- ۲- داخل جمله

– آیا اسم های موصول «مَنْ» و «ما» برای مذکر و مؤنث به صورت یکسان به کار می رود؟

– چرا به اسم های موصول «مَنْ» و «ما» مشترک گفته می شود؟

– مجموعاً چند کلمه به عنوان اسم موصول می شناسید؟

نام ببرید.

متناسب با کاربرد، معنی نیز تغییر می کند.

تا کنون با چند نوع «ما» و «مَنْ» در عبارت ها آشنا شده ایم؟



إجعل في الفراغ الموصول المناسب :

- اللاتي ، ما ، التي ، من ، الذين
- ١- الطالبة المجتهدة هي تنجح في درسيها.
 - ٢- الأمهات هن تعين من أجلنا*.
 - ٣- أنفق ب عندك في سبيل الله.
 - ٤- احترم هو أصغر منك.
 - ٥- يعملون الصالحات فلهم أجر عظيم.

أكمل الفراغ وفق النموذج :

- المؤمن هو الذي يتوكل على الله في الحياة.
- المؤمنة
- المؤمنون
- المؤمنات

التحليل الثالث

عَيِّن الصَّحِيحَ فِي تَرْجِمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

- سپاس خدای را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست.
- سپاس خدای را که آسمان ها و آن که در زمین است، از آن اوست.

٢- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

- به تحقیق مؤمنانی که در نمازشان فروتنند، رستگار شدند.
- رستگار شدگان همان فروتنان در نمازند.

٣- الْعَاجِزُ مَنْ عَجَزَ عَنْ اِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.

- ناتوان کسی است که از به دست آوردن ثواب عاجز باشد.
- ناتوان از به دست آوردن ثواب عاجز است.

التحليل الرابع

عَيِّن الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

- اسم، ضمير منفصل، لِلْغَائِبِ، **(الف) هو :**
- ضمير متصل، لِلْغَائِبَةِ
- اسم، موصول عام، ضمير منفصل
- اسم، موصول خاص، للمفرد المذكر **(ب) الَّذِي :**
- فعلٌ ماضٍ، لِلْغَائِبِ، مزيد ثلاثي
- فعلٌ مضارع، لِلْمَخَاطَبِ، مجرد ثلاثي **(ج) أَرْسَلَ :**
- حرف، ضمير متصل للرفع
- اسم، ضمير متصل للنصب أو الجر **(د) هُ :**



□ کلماتی مانند «الَّذِي» و «الَّتِي» هر گاه پس از اسم دارای «ال» بیایند، به معنی «که» خواهند بود؛ مانند :

ذَهَبْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ الَّذِي قُرْبَ مَدْرَسَتِنَا.

□ دقت کنیم که «ما» با توجه به آن چه که تاکنون خوانده ایم، گاهی حرف نفی است و گاه اسم استفهام و گاه موصول. به کمک قرائن موجود در جمله، باید هر یک را از دیگری تمییز داد.

مثال :

– ما هَذَا؟ هَذَا حُرُوفٌ.

– ما نَطَلَبُ مِنْكُمْ هُوَ تَسْلِيمُهُمْ إِلَيْنَا.

– هُوَ مَا سَمَّحَ لَنَا.

ترجمه متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

نَبِيُّ الرَّحْمَةِ

إِنَّ يَهُودِيًّا طَلَبَ دِينَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَا كَانَ عِنْدَهُ مَا يَدْفَعُ دِينَهُ.

پیامبر مهربانی

یک یهودی طلب خود را از فرستاده خدا (ص) درخواست می کند. اما پیامبر (ص) پول کم داشت تا طلبش را بپردازد.

فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: «الآن ما عندي شيء». فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: «فَأَنَا لَا أَسْمَعُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس به یهودی گفت : اکنون کم دارم و یهودی گفت : پس من اجازه خارج شدن از مسجد را به تو نخواهم داد.

فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ (ص) وَقَالَ: «أَجْلِسْ مَعَكَ وَلَا أَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس پیامبر (ص) خندید و گفت : همراهت می آیم و از مسجد بیرون نمی روم.

أَصْحَابُ النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمَنْظَرَ غَضِبُوا وَهَدَّدُوا الْيَهُودِيَّ.

یاران پیامبر (ص) که این صحنه را مشاهده می کنند خشمگین می شوند و آن یهودی را تهدید می کنند.

فَنظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِمْ وَقَالَ: «مَاذَا تَفْعَلُونَ؟! إِنَّ اللَّهَ مَا بَعَثَ رَسُولَهُ لِيُظْلَمَ عَلَى النَّاسِ.

فرستاده خدا (ص) به ایشان فرمان داد و گفت : چه کار کردید؟! قطعاً خدا فرستاده اش را برای ستم به مردم

نمی فرستد.

سَمِعَ الْيَهُودِيُّ كَلَامَ النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَا مَا فَعَلْتُ الْعَمَلَ الَّذِي عَمِلْتَهُ إِلَّا لِأَطْمِئِنَانِ نَفْسِي.

آن یهودی سخن پیامبر (ص) را پذیرفت و گفت : شهادت دادم که تو فرستاده خدایی و این کاری را که من انجام

دادم تنها به خاطر اطمینان خود شما بود.

لِأَنِّي قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ: «إِنَّ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ [لِلتَّبُوعَةِ] لَيْسَ غَلِيظًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا... فَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ.

زیرا در تورات خوانده اند : قطعاً کسی که از مکه [برای رهبری] خارج می شود نه درشت خوی است و نه ستمدیده

و نه ... پس سلام بر تو ای پیامبر مهربانی.

الف

با توجه به معنی آیات جای خالی را از کلمات داده شده پر کنید :

﴿..... يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

کسانی که طلا و نقره را می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس به آنها عذاب دردناکی را مرده ده.

الَّذِي □ الَّذِينَ □ أَلْتِي □

﴿سُبْحٰنَ لَهٗ... فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾

هر آن که در آسمان ها و زمین است او را می ستاید.

مَنْ □ أَلْتِي □ الَّذِي □

ب

در کدام آیه بر هدایتگری قرآن تأکید شده است؟

- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾
- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾
- ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

برای صحبت کردن به زبان قرآن :

- ۱- سعی کنیم جملات ساده از قبیل سلام و احوال پرسی و خداحافظی و ... را به عربی یاد بگیریم.
- ۲- عبارتهایی را از متن و تمرین ها انتخاب و حفظ کنیم.
- ۳- اشعار و ضرب المثل ها و جملات حکمی را حفظ کنیم.
- ۴- با گوش دادن به مطالب رادیو عربی سعی کنیم گوش خود را به شنیدن جملات عربی عادت دهیم.
- ۵- در گفتگوی با دوستانمان سعی کنیم بعضی از جملات را به عربی بیان کنیم.
- ۶- مُلَمَّعِ سخن گفتن (ترکیب جمله های فارسی و عربی) قدمی در راه یادگیری است.

آیا می خواهیم مطالب خود را به زبان عربی بیان کنیم؟

آیا می دانیم بیان مطالب به یک زبان قوه درک ما را از متون آن زبان دو چندان می کند؟

آیا می دانیم مشکل اساسی ما در صحبت کردن به زبان قرآن ندانستن واژه نیست، بلکه عدم آشنایی با کیفیت جمله سازی است؟

آیا می دانیم علاوه بر هزارها واژه عربی که در فارسی به کار می رود، تاکنون بیش از هزار واژه جدید عربی خوانده ایم؟!